خبر

تیم بسکتبال بهمن قهرمان لیگ برتر بانوان شد

تیم بسکتبال بانوان بهمن با کسب سومین پیروزی در برابر مهرسان از پنج مسابقه فینال توانست عنوانی قهرمانی را به خود اختصاص دهد. در این مسابقات تیم گروه بهمن با ۲۶ امتیاز اختلاف رقیب خود را شکست داد. تیم بسکتبال گروه بهمن قهرمان لیگ زنان سابقه نایب‌قهرمانی غرب آسیا را در کارنامه خود دارد. این تیم در سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ و همچنین در سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ نایب‌قهرمان کشور بوده است. تیم بسکتبال بهمن، بیشترین تعداد ملی‌پوش را در میان تیم‌های باشگاهی بسکتبال زنان ایران دارد.

یادداشت

توصیه‌های کشاورزی در خطابات جمعه

عبدالحسین طوطیایی
پژوهشگر کشاورزی

امام جمعه محترم بروجرد اخیرا در خطبه نماز جمعه به پرهیز از کاشت درختان مضر کاج و مبادرت به توسعه درختان مثمر میوه در فضای عمومی و پارک‌ها توصیه داشته‌اند. ایشان به این نکته که این برنامه می‌تواند برای تأمین میوه نیازمندان مؤثر باشد نیز اشاره کرده‌اند. اینکه با وجود دستگاه عریض و طویل وزارت جهاد کشاورزی و با بهره‌گیری از کارشناسان پرشمار در عرصه منابع طبیعی و فضای سبز و باغبانی و همچنین متخصصان سازمان محیط زیست، چرا امام محترم جمعه‌ای ناگزیر از ورود به این عرصه‌های تخصصی می‌شود، مورد نظر این قلم نیست. آنچه موجب شگفتی است سکوت دستگاه‌های تخصصی و اجرائی در قبال این نوع موضع‌گیری‌ها و از تریبون نهادهای ارزشی است. سکوتی که بیش از هر چیز از انفعال در این حوزه‌ها نسبت به مواضعی حکایت می‌کند که آنها را مورد خطاب‌های غیرتخصصی قرار می‌دهند.

وزیر جهاد کشاورزی در خلال برگزاری همایش مدیران روابط عمومی این وزارت در اوایل اسفند ماه جاری طی سخنانی از اینکه این نهاد زیرمجموعه به انعکاس فعالیت‌ها و پیشرفت‌های مدیریت بخش کشاورزی اهتمام دارند، قدردانی کرده بودند. آیا واقعا ادارات روابط عمومی فقط باید به ارائه فعالیت‌ها و خبرهای پیشرفت وزارت متبوع بپردازند؟ به نظر می‌آید سکوت این وزارت و نیز سازمان محیط زیست در چنین مقاطعی نشان از حلقه‌های مفقوده در روابط متقابل آنها با جامعه مخاطب دارد. حلقه‌هایی که متأسفانه برای یافتن آنها تاکنون تلاش کمتری صورت گرفته است.

ای کاش دستگاه‌های مسئول موردنظر در این قبیل توصیه‌های احساسی و چه‌بسا غیرفنی بازتاب‌های بهنگام داشته باشند. به عنوان مثال آنها به زبان علمی و فنی نسبت به این توصیه امام جمعه بروجرد توضیح دهند که تغییر گونه درختان برای پوشش‌های فضای سبز و ترمیم جنگل‌ها یک امر تخصصی و مبتنی بر دانش نوین و مستلزم نتایج پژوهش‌های مرتبط است. اساسا باید نام اشتباه «غیرمثمر» را از روی گونه‌های درختی فضای سبز که میوه خوراکی تولید نمی‌کنند برای همیشه حذف کرد. اگر کارکرد و دستاوردهای اکولوژیکی و بیولوژیکی این درختان سازگار برای فضای سبز را از منظر تولید اکسیژن و کاهش گازهای گلخانه‌ای، افزایش نفوذپذیری خاک برای ذخیره نزولات آسمانی و به طور کلی نقش بی‌بدیل آنها در کنترل سیل‌های مخرب (که در حال حاضر هم شاهد صحنه‌های تلخی در استان سیستان و بلوچستان و جمعی از هم‌وطنان عزیزمان هستیم) برآورد کنیم هرگز این پاسداران حیات و زندگی را با تعبیر «غیرمثمر» خطاب نمی‌کنیم. ارزیابی از نتایج حیاتی این گونه‌های درختی و حتی برآوردهای مالی در میزان ذخایر آب زیرزمینی نشان می‌دهد که بازده آنها چه‌بسا بسیار بیش از ارزش میوه‌های خوراکی در باغات میوه باشد. اگر انتخاب گونه‌های سازگار درختان برای توسعه فضای سبز و متناسب با هر اقلیمی از نظر طول دوره سبز، کم‌توقع‌بودن نسبت به مصرف نهاده‌ها و به خصوص آب و... به درستی صورت گیرد قطعا نتایج ملموس و مفید آنها از باغات میوه کمتر نخواهد بود. از آن سو نیز وجود درختان میوه در فضاهای سبز عمومی و در بسیاری مواقع به افزایش آفات و امراض گیاهی و ضرورت کاربرد سموم شیمیایی، مدیریت خاص تولید و آسیب‌پذیری آنها نسبت به برداشت‌های گذری و... شرایط شکننده‌ای را برای پارک‌ها و عرصه‌های طبیعی به بار می‌آورد.

امیدواریم اگر تریبون‌های نماز جمعه هم بخواهند نسبت به اولویت‌های این‌چنینی حساسیت نشان بدهند حداقل به مناسبات واگذاری حفظ و توسعه عرصه‌های سبز به پیمانکاران که بعضا با روابطی غیرمتعارف است، ورود کنند.

سیل دشتیاری، تکرار مکرر فاجعه

پیرمحمد ملازهی

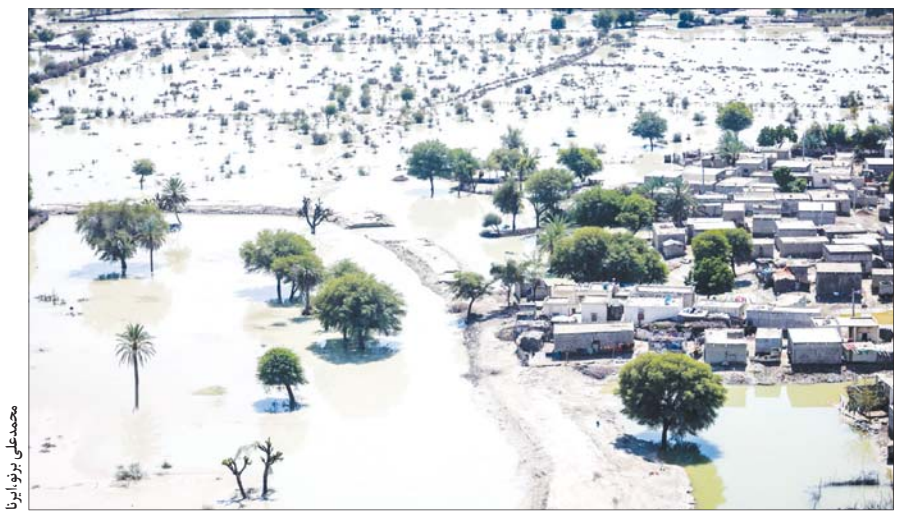

محمدعلی برنوایرنا

تجربه نشان داده است که منطقه سیستان‌وبلوچستان و به ویژه بخش جنوبی بلوچستان، کرانه و پس‌کرانه دریای مکران در فاصله زمانی چهار تا هشت سال درگیر خشکسالی و بارش‌های سیل‌آسای فصلی است. این طبیعت منطقه است، اما مشکل در جای دیگری است. مشکل در ساختار ذهنی مدیریت استانی و ملی و نیز در ساختار ذهنی تقدیرگرای مردم بومی است که در هر دو حالت خشکسالی و پرباران قربانی می‌شوند. نقش هرکدام را می‌توان جداگانه به بحث گذاشت و میزان مسئولیت‌پذیری یا ناپذیری را ذکر کرد. اما قبل از هر چیز باید دید که چرا در فاصله زمانی چند سال فاجعه تکرار می‌شود و با تحریک احساسات مقداری کنسرو و مواد غذایی یا وسایل زیستی توزیع می‌شود، ولی کسی به فکر حل مشکل اصلی به‌صورت برنامه‌ریزی‌شده و یک بار برای همیشه نیست؟

گمان می‌رود که مشکل در فهم موضوع است. منطقه دشتیاری و باهو و منطقه وسیعی از مظهر رودخانه کاجو و سایر مسیر سیلاب‌هایی از منطقه کوهستانی تا خلیج گواتر است که به صورت تقریبی طولی در حدود ۱۵۰ کیلومتر و عمقی حدود صد کیلومتر را شامل می‌شود. این منطقه دشتی وسیع است که ساکنان آن در طول زمان آموخته‌اند چگونه زیست مبتنی بر مالداری و کشاورزی خود را به گونه‌ای سازماندهی کنند که کمترین آسیب را از هر دو حالت خشکسالی و بارش‌های سیل‌آسا متحمل شوند.

مردم در طول زمان با تجربه‌ای که به دست آورده‌اند به نوعی مهندسی آب رسیده‌اند که تا همین چند دهه اخیر پاسخ نسبی مناسب دریافت کرده بودند، اما مدیریت دولتی بدون درک مشکل و ساختار جغرافیای طبیعی منطقه و به قصد و نیت خیر یا ضرورت‌های جدیدی که به وجود آمده است با بی‌اعتنایی کامل به تجربه هزاران‌ساله مردم محلی شروع به ساخت‌وسازهایی کرد که با طبیعت منطقه سازگار نبود.

تجربه محلی مدیریت آب در دو مسیر هماهنگ حرکت کرده است که اگر مهندسان ما منطقه را به‌درستی می‌شناختند، در راستای بهبود آن می‌توانستند سرمایه‌گذاری‌ها را متمرکز کنند و فاجعه در فاصله زمانی چهارساله تکرار نمی‌شد. تدابیر محلی به‌دست‌آمده برای مهار سیلاب‌ها که براساس نیاز و ضرورت‌های زیست‌بومی با معیشت دامداری و کشاورزی به دست آمده بودند عبارت‌اند از:

الف- ایجاد «هوتک»ها برای ذخیره آب شرب مشترک حیوان و انسان

ب- ایجاد بندهای خاکی در ابتدایی‌ترین شکل و با کمترین امکانات، بیل و کلنگ و صرفا متکی بر نیروی کار انسان و حیوان

شاید برای مدیریت استانی و ملی و نظام مهندسی قابل درک نباشد، ولی اگر شما وارد منطقه دشتیاری، باهو و زرآباد شوید با کیلومترها بند خاکی با ارتفاع کم روبه‌رو خواهید شد که مردم محلی با دستان خالی احداث کرده‌اند و سیلاب‌ها را از نقطه ورود به دشت مهار و آنها را به سرتاسر دشت هدایت می‌کرده‌اند. در فاصله‌های چند کیلومتر مکان سرریز آب زیادی پیش‌بینی شده و نوعی مهندسی آبخیزداری به وجود می‌آوردند و به این ترتیب سیلاب‌ها را در تمامی دشت پخش می‌کردند تا از قدرت تخریب احتمالی بکاهند. این مهندسی سنت مهار سیلاب‌ها دو کارکرد اصلی و مهم داشته است:

۱- بخشی از آب‌ها به هوتک‌ها هدایت می‌شده تا آب شرب و مصرف در فاصله دو بارندگی را تأمین کنند.

۲- بخش دیگر آب به زمین‌های مزروعی دیم‌کاری هدایت می‌شده تا پس از خشک‌شدن، کشت‌وکار در آن انجام شود. این زمین‌ها را در اصطلاح محلی «هوشاپ» می‌گفتند. هدایت سیلاب به هوشاپ در عین حال با خود آبرفت می‌آورد که بر غنا و افزایش باروری زمین می‌افزود.

اینکه منطقه دشتیاری از مرغوب‌ترین دشت‌های آبرفتی سیستان‌وبلوچستان است، در همین ارتباط قابل توضیح می‌شود. به طوری که کافی است در سال یک بار دشتیاری سیراب شود و انواع محصولات را در دو فصل و بعضا سه فصل به دست آورد. در گذشته‌ای نه‌چندان دور پنبه رنگی در دشتیاری کشت می‌شد و اگر به حال خود رها می‌شد پس از چند سال به صورت درخت درمی‌آمد.

اما در نهایت تأسف مدیریت استانی و ملی بدون توجه به واقعیت جغرافیای طبیعی منطقه و تجربه صدها بلکه هزاران سال مردم محلی و با ذهنیت تئوریک و بدون مطالعه جدی و شناخت جغرافیای طبیعی دشتیاری، باهو و زرآباد، با اجرای طرح‌های متنوع جاده‌سازی و سدسازی آن هم بدون رعایت حریم رودخانه‌ها و پل‌سازی‌ها با دهانه‌های کوچک و نامناسب با حجم آب در بارش‌های شدید و رگباری، به خیال خود مشغول خدمت‌رسانی به مردم منطقه شدند. بدون آنکه محاسباتی دقیق از موقعیت جغرافیای طبیعی منطقه صورت گرفته باشد یا حداقل به مطالعات قبلی نظیر مطالعات ایتال کنسولت که در رژیم گذشته انجام شده بود و راهکارهای عملی‌تری در قالب آمایش سرزمینی پیشنهاد کرده‌اند، مراجعه‌ای کرده باشند. با غرور و خودبرتربینی، تجربیات بومی و افراد دلسوز و آگاه بومی را به تمسخر گرفته و طرح‌های خود را به گونه‌ای اجرائی کرده‌اند که طی سال‌های اخیر به تکرار فاجعه سیل منتهی شده و زندگی عادی مردم را دچار اختلال جدی کرده‌اند.

اما راه‌حل چیست و چگونه می‌توان جلوی هدررفت اعتبارات استانی و ملی مصرف‌شده را گرفت؟

هرچند عملیاتی‌کردن هرگونه طرحی در منطقه مسطح مانند دشتیاری، باهو و زرآباد مستلزم مطالعات علمی است، اما اجرا کردن هر طرحی بدون مطالعه و درک واقعیت‌های محیطی، بی‌حاصل و تکرار اشتباهات قبلی و ندانم‌کاری‌ها، هدردهنده اعتبارات از یک طرف و تکرار فاجعه تحمیل‌شده به مردم بی‌پناه از طرف دیگر خواهد بود.

واقعیت مهم این است که بستن سدهای پرهزینه با ذهنیتی در منطقه دشتیاری صورت گرفته است که در مناطق کوهستانی حوزه آبی البرز یا زاگرس سدسازی شده و برای ذخیره آب شرب شهرهای بزرگ پاسخ داده است. اما پیاده‌کردن این شیوه از ذخیره‌سازی آب به دو دلیل با ساختار جغرافیای طبیعی دشتیاری سازگار نیست؛ نخست شیب زمین از مدخل ورود سیلاب‌ها به دشت است که بسیار کم است و ما با دشتی تقریبا با قابلیت ایستایی آب و پخش طبیعی آن در دشت روبه‌رو هستیم. این شیب ملایم تا ورود به خلیج گواتر در ساحل مکرانی اقیانوس هند تداوم می‌یابد و به صورت بطئی آب وارد اقیانوس می‌شود. به همین دلیل قبل از اینکه طرح‌های عمرانی ضروری مثل جاده‌سازی و سدسازی در دشت بزرگ دشتیاری مد نظر قرار گیرند، طرح روشنی برای ساماندهی مناسب رودخانه سیلابی نمی‌بینید و اگر هم مسیر طبیعی عبور آب زیادی شکل گرفته و در محدوده پهن و کم‌عمق دشت باز شده به طور طبیعی در چندین مسیر جداگانه به وجود آمده است و پس از عبور آب زیادی تقریبا در سطح و عمقی نزدیک به سطح مجاور دشت باقی می‌مانده و با رویش درخت‌های محلی پوشش طبیعی به وجود می‌آورده که خود محل چرای دام می‌شده و نفعی طبیعی برای زندگی معیشتی دامداری بوده است. طبق شواهد موجود و به نقل از مردمان محلی در دشتیاری، در پی ساخت‌وسازهای سال‌های اخیر، عبور سیلاب‌ها به صورت پخش‌شده در تمامی دشت با مشکل روبه‌رو شده و از مسیر طبیعی خود خارج شده است و به طرف مناطق خاصی هدایت شده و به صورت مخربی در یک یا چند مسیر با شستن خاک مرغوب کشاورزی که در اصطلاح محلی به آن «مل» می‌گویند و بردن آن به اقیانوس در حال ساختن مسیرهای مشخص در شکل رودخانه‌های فصلی مثل سایر جاهاست. امری که با طبیعت دشتیاری ناسازگار است. اگر این برداشت درست باشد که هم‌زمان با بارش شدید باران و سرریزشدن آب سد، مسئولان مربوطه نگران شکستن سد «زیردان» مجبور به گشودن دریچه‌های سد شده باشند، آنگاه بهتر می‌توان به واقعیت ناسازگاری محیط با انجام ذخیره‌سازی آب در سدها پی برد. اشتباه نشود، کسی مخالف انجام طرح‌های عمرانی و ذخیره‌سازی آب برای رفع مشکلات مردم نیست. بحث فقط در ارتباط با شیوه‌های مناسب ذخیره‌سازی آب و سازگار با محیط جغرافیای طبیعی دشتیاری است. به نظر می‌رسد که ساخت‌وسازها در دو سطح با مطالعات دقیق طراحی و عملیاتی نشده‌اند.

۱- جاده‌سازی‌ها: نگاهی سطحی به جاده‌سازی‌های بین شهری و روستایی به‌خوبی نشان می‌دهد که پل‌های احداث‌شده و آب‌نماها با طراحی دقیق و متناسب با حجم آب در باران‌های شدید رگباری منطقه جنوب بلوچستان همخوانی ندارد. دهانه پل‌ها باریک و قادر به عبور حجم عظیم آب سیل‌ها نیست و تاکنون چندین بار و در جاهای مختلف پل‌ها تخریب شده و نیاز به بازسازی مجدد پیدا کرده است. آب‌نماها نیز بریده شده و حمل‌ونقل را مختل کرده‌اند. در همین سیل اخیر طبق گفته مسئولان بالغ بر دو هزار میلیارد تومان راه‌های ارتباطی خسارت دیده‌اند. این خسارت‌ها بیشتر یا کمتر در سیلاب‌های سال‌های قبل هم تکرار شده است. در پایین‌دست‌تر و در داخل دشت با اندکی شناخت و مطالعه میدانی کاملا روشن است که احداث راه‌های ارتباطی روستاهای به غایت پراکنده در تمامی دشت که بعضی تنها از چند خانواده مرتبط به هم و در فاصله دور از روستاهای دیگر شکل گرفته‌اند، بدون زیرساخت‌های لازم و تقریبا هم‌سطح با محیط پیرامونی خود احداث شده‌اند و طبعا به هنگام بارش همچون محیط اطراف خود زیر آب می‌روند. این در حالی است که مهندسی و تکنولوژی لازم برای احداث جاده در دشت‌ها وجود دارد و با اندکی زیرسازی و بالاتر قراردادن سطح جاده از محیط پیرامونی و احداث پل در فواصل لازم برای هدایت و عبور آب به گونه‌ای که به جاده صدمه نزند در اختیار است. هزینه‌ای که برای بازسازی پس از به راه افتادن سیلاب و تخریب جاده‌های روستایی در دشتیاری نیاز است، با هزینه‌های اولیه مهندسی مطالعه‌شده قابل قیاس نیست. این هزینه‌های بازسازی پس از هر سیل و تخریبی قابل تکرار است. اگر چاره‌ای اندیشیده نشود تا آینده‌ای نامعلوم گریبان‌گیر کشور و مردم محلی باقی خواهد ماند و تکرار و تکرار خواهد شد.

۲- سدسازی‌ها: در اینکه ذخیره‌سازی آب از طریق سدسازی و مهار آب یک ضرورت قطعی برای زیست انسانی است، کوچک‌ترین تردیدی وجود ندارد. سدسازی تجربه بشری است، اما تا سال‌های اخیر که در آمریکا مطالعات جدید ارتباط قدرت تخریب محیط زیست و پروژه‌های سدسازی را به اثبات رساند و موضوع تخریب برخی از سدها مطرح شد، کسی به این ارتباط بین سدسازی و تخریب محیط زیست پی نبرده بود و سدسازی یگانه راه‌حل ذخیره آب مورد نیاز جمعیت‌های انسانی تلقی می‌شد. ایران هم در دهه‌های گذشته با تکیه بر همین تجربه بشری و برای مهار آب برنامه سدسازی را در اقصانقاط کشور گسترش داد و دولت‌ها آن را در کارنامه خود با افتخار اضافه می‌کردند. اما پس از روشن‌شدن کاهش آب ورودی به دریاچه ارومیه و تهدید آن به خشکی، برخی تردیدها به وجود آمده و بحث حقابه دریاچه‌ها و تالاب‌ها در ایران لااقل در سطح کارشناسی امکان طرح علنی یافته است.

در منطقه جنوب بلوچستان و دشتیاری موضوع ضرورت سدسازی و مهار آب‌های بارش‌های فصلی با توجه به دوره‌های طولانی خشک‌سالی‌ها از اهمیت بیشتری برخوردار شده و همواره یکی از مطالبات نمایندگان سیستان‌وبلوچستان در مجلس در چانه‌زنی‌های اختصاص اعتبار بوده است. چندین سد ساخته شده و چندین سد دیگر در مرحله مطالعاتی قرار گرفته‌اند، اما اگر حقیقت را بخواهی این‌گونه سدها به‌رغم درک ضرورت آنها با محیط دشتیاری همخوانی ندارد. سد «زیردان» و سد «پیشین» عینی‌ترین نمونه‌های آن هستند که در مقایسه با هزینه‌های انجام‌شده بازدهی مورد انتظار را در سال‌های بعد نخواهند داشت؛ چراکه جغرافیای منطقه و میزان بالای آبرفت رسوبی در سد «پیشین» هم‌اکنون آن را با کاهش ذخیره آب روبه‌رو کرده و سد «زیردان» هم در آینده با چنین پدیده‌ای روبه‌رو خواهد شد. بنابراین راه‌حل ذخیره‌سازی آب در دشتیاری چیست؟!

این یک پرسش جدال‌برانگیز بین واقعیت تجربه بومی و تکنولوژی هوتک‌سازی برای ذخیره آب و تکنولوژی مدرن سدسازی است. این درست همان گره کوری است که فهم آن برای مدیریت استانی و ملی دشوار و به معنای عقبگرد از الزامات زمان تصور می‌شود و این در حالی است که اگر نگوییم یگانه راه‌حل است، لااقل یکی از راه‌حل‌ها در کنار سایر راه‌حل‌های مدرن ذخیره‌سازی آب می‌تواند در نظر گرفته شود. آقای خلیل درخشان که خود ار بومیان دشتیاری است، بر این باور است که تنها راه‌حل است و طرح خاص خود را مطرح کرده که به باور من ارزش مطالعه روی آن را دارد. طبق نظر وی برای حل مشکل آب دشتیاری می‌توان از تکنولوژی هوتک‌سازی محلی که دیگر جواب‌گوی نیازهای جمعیت رو به رشد منطقه نیست، الهام گرفت و دشتیاری را به چندین منطقه تقسیم کرد و در هر منطقه با بهره‌گیری از تکنولوژی روز و امکانات فنی و مهندسی و ماشین‌آلات زمین را در طول و ابعادی مناسب خاک‌برداری کرد و خاک‌های به‌دست‌آمده را به‌صورت تپه‌های خاکی یا در اصطلاح بلوچی تمپ‌های مسطح بلندتر از دشت و اتخاذ تدابیر لازم برای ایجاد حفاظ و زهکشی و هدایت سیلاب‌ها از محدوده هوتک‌ها یا تمپ‌ها شهرک‌سازی کرد و روستاهای پراکنده با جمعیت کم را در یک جا و در کنار هوتک‌های بزرگ چندین‌کیلومتری ایجادشده اسکان داد تا خدمات‌رسانی نظیر آب، برق، مدارس و مراکز بهداشتی در طرحی نو برای این‌گونه شهرک‌های جدید ایمن از سیل راحت‌تر و با هزینه کمتری امکان تحقق بیابد. ارتباط این شهرک‌های جدید از طریق احداث جاده بالاتر از سطح دشت با هم و با شهرهای پیرامونی سهل‌تر خواهد شد و مردم و حاکمیت در پی هر بارشی مجبور به تکرار تخریب و بازسازی مجدد نخواهند بود.

۳- به موازات احداث شهرک‌های جدید در اطراف هوتک‌های بزرگ هدایت آب، در نوعی ابتکاری متناسب به جغرافیای دشتیاری از سنت «هوشاپ» می‌توان بهره گرفت و کل دشت را از مدخل ورود آب از طریق احداث کانال‌های متعدد به داخل دشت و زمین‌های مزروعی دیم هدایت و سیلاب را پخش کرد و بندهای خاکی مناسب و مهندسی‌شده به فواصل چندکیلومتری با امکان سرریز احداث کرد و راه را برای آب زیادی به طرف دریا باز گذاشت. طبق برآوردهای اولیه، در همین سیل مخرب اخیر، حدود پنج میلیارد مترمکعب آب پس از تخریب روستاها و عبور از دشت وارد دریا شده است که اگر نیمی از این آب در هوتک‌های عمیق و طولانی ذخیره می‌شد، کل منطقه را از بی‌آبی‌های بعدی نجات می‌داد و نه‌تنها کشت دیم مجددا رونق می‌گرفت، بلکه زمینه برای آبرسانی منظم و کشت میوه‌های گرمسیری نظیر انبه و موز نیز فراهم می‌شد و زندگی بومیان در یک مدار باثبات‌تر سروسامان می‌یافت.

ادامه در صفحه ۹

گزارش

پس از بدعهدی روسیه، ایران با سرمایه‌گذاری داخلی، افزایش تولید از میدان گازی پارس جنوبی را کلید زد

کام تلخ عسلویه

شرق: میدان گازی پارس جنوبی بزرگ‌ترین میدان گازی جهان است که به صورت مشترک در خلیج فارس میان ایران و قطر واقع شده است. این میدان بیش از ۵۰ درصد گاز ایران را تأمین می‌کند و ۴۵ درصد از خوراک پالایشگاه‌های بنزین ایران از میدان پارس جنوبی تأمین می‌شود.

بااین‌حال، قطر چیزی نزدیک به ۶۵ درصد میدان گازی پارس جنوبی یا به گفته قطری‌ها گنبد شمالی را در اختیار گرفته است و ایران تنها از حدود ۳۵ درصد این میدان بهره‌برداری می‌کند. قطر اما به همین نقطه بسنده نکرده و در سال گذشته میلادی قراردادهای بزرگی برای این میدان بسته است. چین در کمتر از یک سال دو قرارداد خیره‌کننده گاز با قطر بسته است؛ اولی به ارزش ۶۰ میلیارد دلار و دومی قراردادی ۲۷ساله که بناست سالانه چهار میلیون تن گاز مایع مورد نیاز دومین اقتصاد جهان را تأمین کند. اما این تنها اقبال گنبد شمالی قطر نیست و در مدت حدود یک سال قراردادهای مهمی در زمینه سرمایه‌گذاری مشترک با دو شرکت فرانسوی توتال و تکنیپ، همچنین شرکت آمریکایی کونوکو فیلیپس و شرکت هلندی-بریتانیایی شل بسته و چندین قرارداد پیمانکاری دیگر با غول‌های انرژی جهان امضا کرده است. در مقابل، نگرانی‌ها درباره افت فشار پارس جنوبی شدت گرفته است. بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، در سال ۱۴۲۰ احتمالا میزان کل عرضه گاز طبیعی به ۸۹۸.۷ میلیون مترمکعب در روز برسد؛ این در حالی است که میزان مصرف همه بخش‌ها برابر با ۱۴۱۰.۸ خواهد بود؛ در نتیجه روزانه ۵۱۲ میلیون مترمکعب کمبود گاز در بازار داخلی ایران رخ می‌دهد.

تحریم و فقر سرمایه‌گذاری و فقر فناوری مهم‌ترین موانع توسعه میدان گازی پارس جنوبی از سمت ایران بوده‌اند. پیش از این جواد اوجی، وزیر نفت، در صحن علنی مجلس اعلام کرده بود ما در حوزه گاز به ۸۰ میلیارد دلار برای سرمایه‌گذاری نیاز داریم تا میادین مشترک و بخش‌هایی از فازهای پالایشگاه پارس جنوبی را که توسعه پیدا نکرده است و سایر میادین مستقل گازی را توسعه بدهیم. البته او پیش از این هم گفته بود که با توجه به بررسی‌ها در هشت سال آینده در چهار شرکت اصلی نفت و گاز برای تکمیل پروژه‌های خود به ۲۴۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری نیاز دارند و اگر در این صنعت سرمایه‌گذاری تداوم نداشته باشد، در آینده باید شاهد واردات گاز و فراورده‌های نفتی به کشور باشیم.

بااین‌حال، دولت سیزدهم بارها وعده داده بود روسیه در صنعت نفت و گاز ایران سرمایه‌گذاری می‌کند و بیش از یک سال پیش در تیر سال ۱۴۰۱ دولت از امضای تفاهم‌نامه ۴۰ میلیارد دلاری شرکت ملی نفت ایران و گازپروم روسیه خبر داد؛ تفاهم‌نامه‌ای که در آن توسعه میدان‌های گازی کیش و پارس شمالی، فشارافزایی میدان پارس جنوبی، توسعه شش میدان نفتی، سوآپ گاز و فراورده، تکمیل طرح‌های ال‌ان‌جی، احداث خطوط لوله صادرات گاز و همکاری‌های علمی و فناورانه دیده شده بود. اما حالا روس‌ها هم نیامده‌اند و شرکت ملی نفت ایران دیروز در قراردادی با چهار مجموعه مپنا، قرارگاه خاتم‌الانبیا، پتروپارس و اویک، طرح فشارافزایی میدان پارس جنوبی را کلید زد. بر این اساس، قرار است تا چهار سال آینده ۲۸ سکو با اولویت مناطق دچار افت فشار و مناطق مرزی با قطر احداث شود. این قرارداد با بودجه ۲۰ میلیارد دلار انجام می‌شود. وزیر نفت در این مراسم مدعی شد عایدی کشور از اتمام این طرح ۹۰۰ میلیارد دلار تخمین زده شده است. اما سعید ساویز، کارشناس انرژی، به «شرق» می‌گوید: مشکل فقط سرمایه‌گذاری نیست و ایران برای فشارافزایی در میدان پارس جنوبی نیاز به فناوری دارد و اگرچه این طرح می‌تواند گاز را از سر سکو تا عسلویه منتقل کند، اما افت فشار مخازن را چه می‌کنیم؟

نوبت اول

مناقصه عمومی همزمان با ارزیابی (یکپارچه) یک مرحله ای (اصلاحیه نوبت اول) (تجدید مناقصه)

شرکت ملی گاز ایران
شرکت گاز استان خوزستان

۱- مناقصه گزار : شرکت گاز استان خوزستان به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۸۸۹۲۰۱ و کد اقتصادی ۴۱۱۳۳۱۶۷۸۴۷۷
به نشانی : خوزستان - اهواز - حد فاصل میدان چهار اسب (سه راه تپه) و پل برومی- روبروی شهرک صنعتی شماره ۴ امور تدارکات و عملیات کالا شرکت گاز استان خوزستان - واحد تدارکات - اتاق ۲۰۱ - تلفن : ۰۶۱۳۴۱۹۹۹۵۸
۲- موضوع فراخوان : مناقصه عمومی همزمان با ارزیابی (یکپارچه) خرید ۲۰ دستگاه لاین ترمینال مربوط به تقاضای شماره ۳۲۸۵۸۰۲۰۹۵ از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به شماره فراخوان ۲۶۸ - ۲۰۰۲۰۹۳۳۷۷۰۰۰۲۶۸
۳- نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار : بر اساس مبلغ تضمین مندرج در سامانه ستاد فیش واریزی وجه نقد به شماره حساب شبا IR ۲۳۰۱۰۰۰۰۴۰۰۱۱۲۳۳۰۴۰۲۲۴۰۴ و شناسه واریز ۳۵۱۱۲۳۳۵۷۲۹۲۶۹۰۸۴۰۰۰۰۰۰۰۰۲۰۰۷ بنام خزانه دار مرکزی شرکت گاز استان خوزستان قابل واریز در کلیه شعب بانک ملی ایران و سایر بانک های مجاز یا ضمانت نامه بانکی بنام مناقصه گزار بعنوان پاکت (الف) در سامانه ستاد بارگذاری و اصل آن تا یک روز قبل از گشایش پاکات تسلیم دبیرخانه کمیسیون مناقصات گردد .
۴- تاریخ و مهلت تحویل استعلام ارزیابی کیفی مناقصه گران : حداکثر ۱۴ روز بعد از تاریخ انتشار آگهی نوبت دوم
۵- تاریخ توزیع اسناد: اسناد مناقصه همزمان با اسناد ارزیابی کیفی از طریق سامانه ستاد قابل دریافت میباشد .
۶- قوانین جمهوری اسلامی ایران منجمله آیین نامه معاملات و قانون ممنوعیت خرید کالای خارجی دارای مشابه تولید داخلی (خرید کالای ایرانی) حاکم بر این مناقصه می باشد.
۷- نام سازندگان و تامین کنندگان داخلی می بایست در فهرست بلند منابع دستگاه مرکزی وزارت نفت (AVL) باشند، همچنین نام سازندگان و تامین کنندگان داخلی میبایست در سامانه توانیران به ثبت رسیده باشند .
۸- شرایط حضور سازندگان و تأمین کنندگان خارجی در این مناقصه با رعایت مفاد مندرج در بند فوق (۱) و در صورت عدم وجود کالای مشابه ساخت داخل ، بلامانع خواهد بود .
۹- بدلیل الزام رعایت مفاد قانون توانیران و جلوگیری از هر گونه توقف و اختلال در روند تأمین بموقع کالای مورد نظر ، در صورتیکه مناقصه در دو مرحله تجدید شده باشد ، برای مرتبه سوم حضور کلیه مناقصه گران با شرط داشتن مجوزات تکمیلی مندرج در اسناد مناقصه ، مجاز خواهند بود .
۱۰- تامین کالای گارنتی توسط مناقصه گران میبایست الزاماً از تولید کنندگان موجود در بندورلیست شرکت ملی گاز ایران صورت پذیرفته و اولویت ، خرید کالای ایرانی می باشد.
۱۱- نامه آخرین تغییرات آن شرکت بهمراه اعلام آمادگی وذکر شناسه ملی حقوقی وارائه کد پستی و تلفن تماس الزامی است .
۱۲- ارائه مدارک و فرم های استعلام ارزیابی تکمیل شده از سوی مناقصه گران هیچگونه حقی را جهت متقاضیان برای شرکت در مناقصه ایجاد نخواهد کرد.
۱۳- مناقصه گران میبایست دارای مجوز شورای عالی انفورماتیک و تاییدیه حراست شرکت ملی گاز ایران باشند .
۱۴- مناقصه گزار در مرحله اول با وصول حداقل ۲ فقره پیشنهاد در موعد زمانبندی مناقصه، نسبت به گشایش پاکات اقدام مینماید .
۱۵- خرید اسناد:متقاضیان شرکت در مناقصه می توانند پس از واریز مبلغ ۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال غیر قابل استرداد به شماره حساب شبا IR ۲۳۰۱۰۰۰۰۴۰۰۱۱۲۳۳۰۴۰۲۲۴۰۴ و شناسه واریز ۳۵۱۱۲۳۳۵۷۲۹۲۶۹۰۸۴۰۰۰۰۰۰۰۰۲۰۰۷ بنام خزانه دار مرکزی شرکت گاز استان خوزستان قابل واریز در کلیه شعب بانک ملی ایران و سایر بانک های مجاز از طریق سامانه ستاد درزمان مهلت اسناد به آدرس اینترنتی WWW.setadiran.ir مراجعه و اسناد مناقصه دریافت نمایند.
۱۶- کلیه مراحل برگزاری مناقصه از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس WWW.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است در صورت عدم عضویت قبلی ، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.
۱۷- سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه مندرج می باشد.اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه ۴۱۹۳۴-۰۲۱ دفتر ثبت نام ۸۸۹۶۹۷۳۷-۸۸۹۶۹۷۳۷-۰۲۱
شناسه آگهی : ۱۶۸۰۱۱۹
نوبت اول : ۱۴۰۲/۱۲/۲۱ نوبت دوم : ۱۴۰۲/۱۲/۳۲

روابط عمومی شرکت گاز استان خوزستان

۸۴۴۳